

به‌عنوان گزینه «اصولگرایان تحول‌خواه» و «جمعیت‌ایثارگران انقلاب اسلامی» وارد رقابت انتخاباتی و به‌صورت رسمی عالم سیاست شد. البته در این انتخابات یک گروه متشکل از علی‌اکبر ناطق‌نوری، رئیس‌شورای هماهنگی، حبیب‌الله عسگرآولادی، دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری، محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين، سیدرضا تقوی، عضو جامعه روحانیت مبارز و حسین فدایی، دبیرکل جمعیت‌ایثارگران تشکیل و مقرر شد که پنج نفر از اعضای شورای هماهنگی، محمود احمدی‌نژاد، احمد توکلی، محسن رضایی، علی‌لاریجانی و علی‌اکبر ولایتی، وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند تا سرانجام طبق نتایج نظرسنجی‌ها، کاندیدای نهایی اصول‌گرایان برای ریاست‌جمهوری انتخاب شود. احمدی‌نژاد به‌عنوان کاندیدای جمعیت‌ایثارگران، معتقد بود که ناطق‌نوری و جناح راست پیشاپیش تصمیم‌شان را برای حمایت از ولایتی یا لاریجانی گرفته‌اند؛ بنابراین چارچوب مدنظر شورای هماهنگی را نپذیرفت. با ورود قالیباف به انتخابات با توجه به نظرسنجی‌ها او در موقعیت خوبی قرار داشت و همین موجب شد که توکلی به نفع او کنسار رود اما بقیه چهره‌ها چنین همراهی‌ای انجام ندادند و او یکی از ۵ گزینه اصولگرایان در انتخابات در کنار اکبر هاشمی‌فستجانی، محمود احمدی‌نژاد، محسن رضایی و علی‌لاریجانی بود. البته در این انتخابات رضایی پیش از برگزاری انتخابات انصراف داد و بقیه در رقابت باقی ماندند تا او با کسب آرای ۱۳ درصد شهروندان، در میان ۷ نامزدپس از هاشمی‌فستجانی، محمود احمدی‌نژاد و مهدی کروبی در جایگاه چهارم بایستد و علی‌لاریجانی، مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده پس از او قرار بگیرند. پیروز نشدن او در انتخابات و شیفت او از فضای نظامی به فضای سیاسی، به‌نظر می‌رسد برای او و هم‌جریانی‌های او، ضرورت فعالیت مستمرتر و مشخص‌تر در عالم سیاست را برای جا بازکردن ایجاد کرده بود. البته او به فاصله اندکی پس از این شکست به‌عنوان شهردار تهران انتخاب شد.

### ▼ انتخابات ۱۳۹۲

محمدباقر قالیباف پس از ورود به عالم سیاست و بعد از اینکه در اولین رقابت انتخاباتی شکست خورد، در مسیر تقویت جایگاه خود نه مانند مهدی کروبی به‌دنبال ایجاد تشکیلات سیاسی رفت و نه در راستای رویکرد جبهه‌ای و خارج از تشکیلات راه روشنی را پیمود. او که حالا در قامت شهردار تهران فعالیت می‌کرد؛ کم‌کم از چهره اصولگرای تحول‌خواه که ظاهری متفاوت از جریان سنتی اصولگرایی را نشان می‌داد، به سمت اصولگرایی تندروان‌تری حرکت کرد. به‌ویژه پس از اینکه در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ شائبه حمایت ضمنی او از میرحسین موسوی در میان جریان اصولگرایی به میان آمد و به‌نظر می‌رسد او برای اثبات این عدم همسویی طی ۴ سال از آن چهره اولیه به چهره جدیدی رسید.

او در این مسیر در سخنرانی ۹ دی ۱۳۹۱ درباره احتمال حضور سران جنبش سبز در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ گفت: «سران» فتنه در انتخابات ۱۳۸۸، مجرم هستند و غلط است بگویم که آن‌ها با عنتر خواهی می‌توانند برگردند.» او که به جریان اصولگرا وابسته است، از معترضان سال ۱۳۸۸ به‌عنوان «بازدادگان فتنه‌گر» نام برد که «اقلیتی کوچک بوده و هستند که همواره از سوی ملت ایران و جریان‌های سیاسی درون نظام حذف و طرد شده‌اند.» و با این سخنان خود را از همه شائبه‌ها و شایعات تبرئه کرد.

البته که چون سابقه فعالیت سیاسی و وابستگی او به تشکل و نگاه خاصی از اصولگرایان، نه سنتی‌های آن و نه چپ جدید (که احمدی‌نژاد را می‌توان نمادی از آن دانست) و نه تندروهای آن باز نمی‌گشت و در این ۸ سال تا انتخابات ۱۳۹۲ که او دوباره کاندیدای ریاست‌جمهوری شد، به‌نظر نمی‌آمد که او برای تعریف جایگاهش در فضای سیاسی اصولگرایی برنامه‌ای داشته، بر همین اساس بار دیگر در سال ۱۳۹۲ و انتخابات ریاست‌جمهوری با بحران حمایت اصولگرایان مواجه شد. او این بار در کنار سعید جلیلی، گزینه جبهه پایداری، علی‌اکبر ولایتی، گزینه جبهه پیروان خط امام و رهبری و محسن رضایی، جبهه ایستادگی قرار گرفت و عملاً اگر چه از سوی جمعیت «پیشرفت و عدالت» به دبیرکلی مرتضی طلابی حمایت می‌شد و به نوعی طیف حامیان قالیباف را تشکیل داده بود و اگر چه رای دوم پس از حسن روحانی را آورد اما بار دیگر ناکام انتخابات بود و ۴ سال دیگر تا انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۶ را به عنوان شهردار به



**مهدی محمدی**، مشاور سیاسی قالیباف:

**اصل مسئله این است که داستان نه انتخابات مجلس بود و نه شخص قالیباف. مسئله بسیار فراتر از این است و ماشین تخریب داخلی و خارجی که ایجاد شده هم اهدافی بسیار بزرگ‌تر دارد. مشخصاً از نظر**

**برخی، قالیباف اولین گزینه از فهرست افراد مهمی است که باید از سر راه برداشته شوند. نوبت بقیه به زودی خواهد رسید گرچه که تخریب آنها به آسانی قالیباف نخواهد بود**

فعالیت ادامه داد و عملاً همراهان و حامیانش در شهرداری و شورای شهر و همان حزب حامی اش فعال بودند.

### ▼ انتخابات ۱۳۹۶

قالیباف در دوران حضورش به‌عنوان شهردار پس از سال ۱۳۹۲ با اولین افشاهی‌ها درباره فعالیتش به‌ویژه در حوزه شهری رویبرو شد. در شهریور ۱۳۹۵ روزنامه شرق خبر از واگذاری املاک شهرداری با تخفیف بالا به بعضی از مدیران شهری داد و سپس سایات معماری نیزوز متن نامه سازمان بازرسی کل کشور را منتشر ساخت که در آن نام و جزئیات میزان تخفیف ارائه‌شده به ده‌ها نفر و چندین تعاونی توسط شهرداری افشا شد. در نتیجه این گزارش سردبیر سایت معماری نیزوز با شکایت قالیباف و چمران، زندانی شد. این اولین افشاجاری درباره او و البته یکسال قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۶ بود؛ فضای ایجادشده اطراف او به نحوی پیش رفت که اگر چه جمعیت مردمی نیروهای انقلاب (جمنآ) او را گزینه‌نهایی خود دانستند اما پس از اینکه جامعین و جبهه‌پایداری حمایت خود را از ابراهیم رئیسی، دیگر کاندیدای حاضر در انتخابات اعلام کردند، اونیز پس از مناظره‌ها با حضور در مصلی به نفع رئیسی انصراف داد و عملاً اولین مخالفت‌ها با او از سوی جبهه پایداری و جریان‌های تندروتر در این دوره نمایان شد؛ روندی که به مرور در فضای اصولگرایی گسترده‌تر شد؛ چنانچه یکبار موجب جدایی شورای ائتلاف نیروهای انقلاب(شانا) از جمنآ شد و در نهایت هم دوگانه‌ای را در شانا نسبت به او ایجاد کرد.

### ▼ انتخابات ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰

شانا تقریباً چندماه قبل از انتخابات مجلس یازدهم در آذرماه ۱۳۹۸ حول چهره‌هایی مانند غلامعلی حدادعادل و مصطفی چمران شکل گرفت. عملاً پس از اینکه بعد از ۱۳۸۸ به مرور ریش‌سفیدان جبهه اصولگرایی با بی‌مهری بدنه این جریان رویبرو شدند و جریان اصولگرایی سنتی به محاق رفت؛ شاهد آن بودیم که این جریان تلاش کرده حول چهره‌های تندروتر و یا جوان‌تر گرد آید. چنانچه یک‌تازگی جبهه پایداری که از همان ابتدای تاسیس در سال ۱۳۹۰ در همه انتخابات به‌وضوح محسوس بود و با قانون «یا با ما یا بر ما» مسیر سیاسی خود را طی کرده بودند؛ در این انتخابات هم لیست جداگانه‌ای ارائه کردند و عملاً در انتخابات حداقلی و رقابت بین اصولگرایان در برابر لیست «ایران سربلند» به سرلیستی قالیباف قرار گرفتند و در برابر ۱۷۳ کرسی که این لیست به دست آورد بالغ بر ۹۰ کرسی را به خود اختصاص دادند و دوگانه‌ای را در فضای مجلس یازدهم ایجاد کردند با همان رویکرد همیشگی جبهه پایداری که با سرسرودا و تخریب فضا را برای خود و نقش‌آفرینی باز می‌کرد، این شرایط را در مجلس علیه رقیب درون جریانی خود یعنی قالیباف و حامیان‌شان ایجاد کرد. چنانچه دو سال بعد در آستانه انتخابات ۱۴۰۰، شاهد آن بودیم که ۲۰۰ نماینده مجلس در نامه‌ای از ابراهیم رئیسی برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری دعوت کردند. این در حالی بود که شانا تصمیمش بر حمایت از قالیباف در انتخابات بود؛ و حتی ندعوی شانا و شورای وحدت هم درباره پندر خواندگی جامعیتین و تشکل حامی او هم در اینجا اوج گرفت اما در نهایت قالیباف کنار کشید و حتی از شانا خواست که به حمایت از رئیسی بپردازند و آنها هم همسوا با شورای وحدت، ابراهیم رئیسی را به‌عنوان کاندیدای اصلی خود معرفی کردند.

### ▼ انتخابات ۱۴۰۲

فروردین‌ماه ۱۴۰۱ بود که عکس خوانده قالیباف که به ترکیه رفته بودند، در فضای مجازی پخش شد و با بیان علت سفر خانواده او سی‌وسه‌منوی گیت برای او رقم خورد. جندی پیش از انتخابات ۱۴۰۲ نیز خبر از حضور دیگر فرزندانش در کانادا و تلاش برای گرفتن شهروندی این کشور سرورصدای بسیاری را به همراه داشت. ضمن اینکه در مجلس هم حملات بسیاری به عملکرد او در جایگاه رئیس مجلس از سوی جریان رقیبش صورت گرفت، به‌عبارتی در دو سال پس از انتخابات ۱۴۰۰ و در ادامه فعالیت سیاسی قالیباف او که بنا بر تعریفش در اواخر تیرماه ۱۳۹۶، خود را نواصولگرا می‌نامید (قالیباف در نامه‌ای با اشاره به اینکه به این باور رسیده‌ام که «تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصول‌گرایی یکی از مطالبات اصلی

چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲
سال دوم • شماره ۳۶۳
www.hammihanonline.ir

امروز شما جوانان مؤمن و دل‌سوز انقلاب و کشور است»، تأکید کرد که اصول‌گرایی باید با حفظ مبانی و ارزش‌های انقلابی جمهوری اسلامی، حرکت در راستای نواصولگرایی را هر چه زودتر آغاز کند.) هنوز جایگاهش در فضای اصولگرایی آن‌طور که باید و شاید تثبیت نشده و روند به‌گونه‌ای پیش می‌رود که احتمالاً پیش از این تثبیت عبور از او رقم می‌خورد. او در انتخابات ۱۴۰۲ هم بر همراهی شورای ائتلاف و حامیانش که در جمعیت پیشرفت و عدالت حضور دارند، مانند محسن بیرهادی و محمدامین احدیان تکیه‌زده بود و حالا پس از اعلام نتایج انتخابات، برخی از رودست خوردن او از طرف جبهه پایداری و همفکران آن‌سخن می‌گویند. چنانچه وقتی جبهه‌پایداری با شانا ائتلاف کرد؛ هم‌زمان در دولیست «صبح ایران» و «امنا» نیز حضور داشت و اکثریت ورودی‌های تهران را این جبهه به دست آورد.

هم‌زمان با این اتفاق رفتار جبهه پایداری و تحلیل موقعیت قالیباف و آینده سیاسی اونیز مورد توجه قرار گرفت. او که در رفتارش شاید مواضع کندروانه‌تری نسبت به جبهه پایداری و همسویان او داشته است؛ حالا با شرایط تعلیق وارونه رویبرو است. مثلاً طی این روزها برنامه جبهه‌پایداری او را با نوبت چهار سال پیش امیر حسین ثابتی، دومین نفر در انتخابات اخیر از تهران توضیح می‌دهند که او نوشته بود: «اگر قرار باشد واقعا یک مجلس انقلابی به معنای واقعی کلمه شکل بگیرد برای رئیس مجلس باید از «مشهورات کاذب» عبور کرد و به ریاست افرادی از این دست فکر کرد: حمید رسایی؛ علیرضا زاکانی، ایاس نادران، سیدمحمود نویبان.» و آنچه در این انتخابات رخ داده و برداشت محصول برنامه‌هایی از آن زمان عنوان کرده‌اند. البته که آینده قالیباف با این اوصاف در هاله‌ای از ابهام است و شاید هم در مسیر تایید اعتبارنامه داستانی به پا شود و اگر او از این گیت هم عبور کند؛ ریاست مجلس او مرحله بعدی برای مقابله جبهه پایداری با او خواهد بود. درباره کاهش رای و آینده فعالیت سیاسی او مهدی محمدی، مشاور سیاسی اش نوشته است: «مشخصاً رای محمدباقر قالیباف به یک‌چهارم رای انتخابات قبلی کاهش یافته است. یک دلیل اصلی تخریب‌هاست که از روز لولی که او پایا به مجلس گذاشت آغاز شده است. […] یک مسئله بسیار بنیادین البته درک این نکته است که نسل جدیدی از انقلابیون ظهور کرده که به بستر شبکه‌عمل می‌کنند و جامعه‌و جهان متفاوتی از گذشتگان دارد.

من تصور می‌کنم از این پس باید بسیار بیشتر از تلاش برای ایجاد مکانیسم‌های انتخاباتی، باید به ایجاد مکانیسم‌های گفت‌وگو با این نسل اندیشید. این هم یک تکلیف جدید است. […] اصل مسئله این است که داستان نه انتخابات مجلس بود و نه شخص قالیباف. مسئله بسیار فراتر از این است و ماشین تخریب داخلی و خارجی که ایجاد شده هم اهدافی بسیار بزرگ‌تر دارد. مشخصاً از نظر برخی، قالیباف اولین گزینه از فهرست افراد مهمی است که باید از سر راه برداشته شوند. نوبت بقیه به‌زودی خواهد رسید گرچه که تخریب آنها به آسانی قالیباف نخواهد بود.» البته این تحلیل به درستی به نکته پیاده کردن افراد از قطار اصولگرایی اشاره کرده است و با توجه به یکدست‌سازی در پیش گرفته‌شده حتی این پیاده کردن شاید از قطار انقلاب نیز صورت بگیرد اما با توجه به اینکه طی همه این سال‌ها ما با قالیبافی رویبرو بودیم که اگر چه به تندی پایداری‌چی‌ها نبوده اما نوسان شخصیت سیاسی او به‌گونه‌ای است که اصول او در فضای سیاسی کشور به درستی مشخص نیست و آینده او هم براساس همان نابسامانی تعریف از اندیشه و رویکردش در فضای سیاسی نامشخص است. حال سه مسیر پیش روی او به چشم می‌آید:
۱- در همان مسیر پیشین و با تکیه بر همان دوستان ادامه دهد که احتمالاً در برابر جریان تندرو نسل نوی اصولگرایی که خواهان عبور از ریش‌سفیدان ریشه‌دار خود هستند، قدرت ایستادگی را از دست داد (اگر چه طرازش با آنها متفاوت است اما رویکردش به این جریان سنتی نزدیکتر بوده) همین احتمالاً موجب پایان عمر سیاسی اش شود ۲- اینکه او در ادامه مسیر هم‌فکرانش را عوض می‌کند و همسوا با جبهه پایداری و همفکران آن راه جدیدی برای خود تعریف می‌کند که اگر چه بقای آن را تضمین می‌کند اما از جرگه آن دسته از سیاستمدارانی که سایر جریان‌ها هم او را گزینه‌ای می‌دانند (که ریسک اعتماد به او را همچنان باور دارند) خارج می‌شود. ۳- برای مقابله با جریان تخریب‌گرش با جریان رقیب باقیمانده در مجلس (میانه‌روها و اصلاح طلبان حداقلی) همکاری کرده شود تا در مسیر دیگری (همچون لاریجانی) حداقل برای مدتی سیاستمداری را ادامه دهد

من معتقدم هم پدر خوانده‌های جریانی که در مجلس حضور دارند و هم گروه‌های فشاری که در گذشته با پدر خوانده‌ها علیه رقیبا همراه بودند، اینها خودشان بالادستی‌هایی دارند و این بالادستی‌ها سعی خواهند داشت تا مجلس بانوسان کمتری شکل بگیرد.

**«با عنوان سوال آخر؛ محمدباقر قالیباف راهی طولانی را طی کرد تا به ریاست مجلس برسد اما با وقایع اخیر و حملاتی که به او درون تاریخ اصول‌گرا شده؛ چه آینده‌ای را می‌توان برای رئیس مجلس یازدهم پیش‌بینی کرد؟ آیا این مسائل در سال ۱۴۰۴ کاندیدای ریاست‌جمهوری خواهد شد؟ و یا اینکه آرام‌آرام روند حذفی که درباره چهره‌هایی مانند علی‌لاریجانی صورت گرفت، درباره او هم انجام می‌شود.**

شاید خیلی زود باشد درباره انتخابات ریاست‌جمهوری حرف زد اما ضعف کارآمدی دولت آقای رئیسی در آینده خیلی بیشتر خودش را نشان خواهد داد. کلیت این جریان اصول‌گرا با همه اسامی‌ای که انتخاب کرده‌اند؛ کارنامه خوبی ندارند. چگونه افرادی که سالانه ۴۰۰ هزار رای را از دست داده‌اند، می‌توانند به فکر ریاست‌جمهوری باشند؟

### خبر

## شکوری‌راد تبرئه شد

بازپرس شعبه ۴ دادسرای عمومی و انقلاب اراک در پرونده سخنرانی علی شکوری‌راد در مجلس ترحیم اسدالله امینی (رئیس حزب مشارکت و نایب‌رئیس حزب اتحادملت استان مرکزی)، قرار منع تعقیب صادر کرده است. در بخشی از حکم صادرشده آمده است: «انتقاد از شیوه حکمرانی حق مسلم هر شهروند ایرانی و از اقتضانات آزادی بیان محسوب می‌شود و اساساً یکی از دلایل حدوث انقلاب اسلامی، تحقق این حق بنیادین است… در غیاب حکمرانی حزبی و انضباط حزبی، دادگستری نباید به محلی برای تسویه‌حساب جناح‌های سیاسی تبدیل شود.» لازم به ذکر است که این حکم قطعی نیست و ظرف ده روز قابل اعتراض است.

▲▲

## جلسه دادگاه فرزندان معاون اول قوه قضائیه

مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد: «امروز [دیروز] سه‌شنبه ۱۵ اسفندماه اولین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات فرزندان یکی از مقامات قوه قضائیه و تعداد دیگری از متهمان در این پرونده در مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی برگزار شد. در این جلسه دادگاه بخشی از کیفرخواست متهمان پرونده قرائت شد. جلسات این دادگاه طی روزهای آتی ادامه خواهد داشت.» گفتنی است در این دادگاه به اتهامات ۲۳ تن از فرزندان این پرونده از جمله دو تن از فرزندان معاون اول قوه قضائیه به اتهام تشکیل شبکه اعمال نفوذ و پولشویی در پرونده‌های کلان اقتصادی رسیدگی خواهد کرد.

▲▲

## ادامه سر مقاله

سطح دوم سیاست نیز مربوط به حرکت‌های مردمی و سیاسی در سطح جامعه بود. این نیز در مقطعی از تاریخ‌گذشته ایران چنین بود که این حرکت‌ها به‌نحوی تحت‌تاثیر سفارتخانه‌های خارجی و پاینروهای فرامرزی بودند، ولی هر دو مورد پس از انقلاب به‌کلی تغییر کرد؛ به‌ویژه اینکه دخالت‌های فرامرزی و بیگانگان اگر هم بود مقبول طبع مردم واقع نمی‌شد. نمونه آن مجاهدین خلق و پیش از آن کودتاجان نوزه بودند که وابسته به صدام‌حسین و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بودند. ولی هیچ‌گاه با حمایت جدی داخلی مواجه نشدند. سه مسئله است که وابستگی آنان موجب نفرت هم می‌شد. از این دو گزاره می‌توان نتیجه گرفت که برای ریشه‌یابی ضعف‌ها و ناتوانایی‌های خود باید دنبال عوامل داخلی برویم. نمونه روشن آن انتخابات‌های گوناگون در ایران است. پس از سال۱۳۸۸ که اساس انتخابات مورد سوال واقع و فضای تبلیغاتی علیه ایران، خیلی شدید شد، تصور می‌رفت که آن انتخابات نقطه پایان فرآیند انتخاباتی باشد ولی چطور شد که در سال۱۳۹۲ و سپس ۱۳۹۶ مهمترین و پرشورترین انتخابات برگزار شد؟ پاسخ روشن است. بسته انتخاباتی‌ای که پیش‌روی مردم گذاشته شد در کنار حضور نیروهای امیدآفرین در جامعه و وجود فضای فعالیت، موجب شد که به‌رغم تصورات قبلی و تبلیغات منفی و شدید بیگانگان و افراد ایرانی آن‌سوی مرزها، مردم با شوق و رغبت فراوان وارد عرصه شدند و دو انتخابات پرشور را رقم بزنند؛ این‌ها مظهر استقلال سیاسی کشور بود، ولی قدر آنها دانسته نشد.

در انتخابات اخیر نیز همان‌گونه که مقام‌رهبری فرمودند، از یک سال پیش توپخانه تبلیغاتی نیروها و رسانه‌های خارج از کشور علیه مشارکت انتخاباتی فعال بودند، ولی دریغ از کوچکترین تأثیر. با قاطعیت می‌توان گفت که فعالیت‌های آنان اگر نگوییم صفر ولی تأثیر آن در همین اندازه‌ها بود و این ناشی از استقلال فکری مردم ایران است که خودشان به ماجرانگاه می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. تردیدی نباید داشت که حتی اگر آنان به سود مشارکت نیز تبلیغات می‌کردند، نتیجه‌چندان تغییر معناداری نمی‌کرد. آنچه که موجب کاهش مشارکت شد و هنوز ابعد آن به‌خوبی روشن و تشریح شده است، نه ناشی از تبلیغات سوء فرامرزی بلکه ناشی از عملکردهای درونی جامعه خودمان است. به همین علت می‌توان افق روشنی را دید که اصلاح امور کشور مستقل از اراده بیگانگان و از داخل می‌گذرد. هیچ اهمیتی به تبلیغات و مواضع کشورها و نیروهای ایرانی خارج از کشور ندهید. ملت ایران از نظر سیاسی مستقل است و استقلال خود را در تصمیمات درست و آگاهانه خود بروز می‌دهد.